

# شرق

## روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ ۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ ۳ آگوست ۲۰۲۱  
سال هجدهم • شماره ۴۰۶۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۶  
اذان صبح فردا ۴:۳۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

فardashargh@gmail.com

### روزنامه‌فرو

خلیج گرگان بزرگترین خلیج دریای خزر است که در حال حاضر به دلیل تغییرات اقلیمی درگیر خشکسالی شده است. / عکس: فائزه کابلی ، باشگاه خبرنگاران جوان



### صاف و ساده

## یقه‌سفیدان متعهدنما

بسیخ افکار عمومی و بُردن انتخابات بدون حذف رقبا توسط شورای نگهبان را نیافته‌اند و علت را در نداشتن کنترل لازم بر فضای مجازی می‌دانند.

تحلیل من این است که در ۳۰ سال گذشته، گروهی از یقه‌سفیدان به ظاهر موجه، توانستند از این فضا به نفع خود سود ببرند. آنها برخوردار از تحصیلات رانتی، با مدارک و عناوین آکادمیک پُرطمطراق و تسلط بر زبان روز و ظاهرسازی متعهدانه، قاپ سیاست‌گذاران اصولگرا را ربوده‌اند. این یقه‌سفیدان متعهدنما، به طمع بودجه‌های هنگفت، مؤسسات متعدد فرهنگی درست کرده‌اند. صدها پروژه گرفته و مرتب وعده می‌دهند که با چند پروژه دیگر، عنان افکار عمومی و کنترل فضای مجازی را به دست می‌آورند. آنها نه تنها موفق به این کار نشده‌اند، بلکه نسل به نسل، جوانان را از اصولگرایان دور کرده‌اند. این طرح مسدودسازی

در میان نباشد.

آنها خودشان را متخصص جا می‌زنند. به زبان تخصصی صحبت می‌کنند. مدعی‌اند که فناوری‌های جدید را می‌فهمند، اما راه‌حلی که پیش پای اصولگرایان می‌گذارند، مبتنی بر مسدودکردن رقبا و رشد دادن مؤسسات داخلی است. در دنیای امروز، فقط رقابت‌تنگناکت و واقعی میان‌طراحان نرم‌افزار و اپلیکیشن و تولیدکنندگان محتوا، می‌تواند رشد واقعی ایجاد کند. ایجاد محیط سترون و خالی از رقیب، صرفا باعث هدر دادن بودجه و امکانات می‌شود. اگر کشورهایی مثل هند، برزیل، تایوان، ترکیه، چک، رومانی و نظایر آن توانستند رشد کنند، رقابت کردند. دست رقیبان را نبستند. فضا را انحصاری نکردند. بحث اینترنت ملی در چین روسیه، وجوه دیگری دارد و چنان نیست که این یقه‌سفیدان بیان می‌کنند.

شعار تکیه بر توان داخلی، به لحاظ آرمانی درست است، اما این توان داخلی در فضای خالی از رقیب، معنی نمی‌دهد. برای مثال، خودروسازی کشور سترون زمانی به رشد می‌رسد که بتواند با دیگران رقابت کند. بستن راه ورود رقیب و ناچارشدن مصرف‌کننده به استفاده از تولیدات بی‌کیفیت، تکیه بر توان داخلی نیست، بلکه خیانت به صنعت، هدر دادن

امکانات ملی و دورکردن اقتصاد کشور از رشد شتابناک جهانی است. البته این امر در فناوری‌های

نوین، وجه دیگری هم دارد؛ نرم‌افزار و اپلیکیشن و اینترنت، خودرو نیست که بتوان مانع ورود آن به کشور شد. امکان فنی ندارد. با پیشرفت‌های جدید، حتی سخت‌تر هم می‌شود.

پس خام‌شدن به وعده کاسبکارانه یقه‌سفیدان متعهدنما، نه تنها اصولگرایان را به هدف نزدیک نمی‌کند، بلکه ضمن عیان‌کردن استیصال این جناح و اذعان به ناتوانی در رقابت سیاسی، شکست سیاست‌گذاری کلان فرهنگی را نشان می‌دهد و ضربات جبران‌ناپذیر به وجه مردمی نظام می‌زند و با دورکردن جوانان و ایجاد نارضایتی فعال و مخرب در آنها، کشور را دچار مخاطرات غیرقابل پیش‌بینی می‌کند. اعتراض همه دلسوزان در اعتراض مجلس از تصویب قانون انسداد اینترنت، تازه اول ماجراست.



قادر باستانی پژوهشگر ارتباطات و رسانه

نمایندگان مجلس، از واکنش وسیع مردم جا خورده‌اند. آنها بستن پنجره اینترنت را از مأموریت‌های اصلی خود می‌دانند؛ اگرچه وبال آن را گردن کمیسیون فرهنگی انداخته‌اند. البته داستان تکراری است. طرح تصویب خواهد شد، محدودیت‌ها اعمال می‌شود و بعد از بگروبیند و بازی با اعصاب مردم، قانونی دیگر به قوانین بی‌خاصیت اضافه می‌شود؛ مشابه قانون ممنوعیت ماهواره که انبوه دیش‌ها در پشت‌بام خانه‌ها، نشان از میزان اهتمام مردم به چنین قوانینی دارد.

سیاست‌گذاران اصولگرا، عدم مشارکت اکثریت مردم در دو انتخابات را به جان خریدند که مجلس و دولت دلخواه و یکدست داشته باشند و اکنون درصدد فتح قلمروی مجازی هستند. روشن است که فناوری این اجازه را به آنها نخواهد داد و زمان این حقیقت تلخ را تفهیم خواهد کرد، اما واقعا چه کسانی به اصولگرایان مشاوره می‌دهند و آنها را به چنین گرداب‌های خطرناکی می‌کشاند؟ با روی کارآمدن دولت

اصلاحات در سال ۷۶ و زیاده‌روی در زورنالیزگی ساخت سیاسی کشور، اصولگرایان احساس کردند، ضعف جدی در رسانه دارند و به‌جد درصدد جبران‌ش برآمدند. آنها کادر رسانه‌ای در کیهان تربیت کردند. خبرگزاری و روزنامه و مجله ساختند و به لحاظ ساختاری، در این کار موفق هم بودند. با برآمدن اینترنت و اهمیت‌یافتن فضای مجازی، همین عزم را جدی‌تر از قبل تداوم بخشیدند. کار به تأسیس مؤسسات بزرگ تولید محتوا مثل اوج کشید، ولی نتیجه مطلوب را نیافتند.

اصولگرایان دسترسی به بودجه‌های خوب دارند، اما عمده پیشرفت‌ها سخت‌افزاری بوده و تاکنون نتوانسته‌اند تأثیر دلخواه بر مردم بگذارند و آنها را همراه کنند. بعد از دو دهه تلاش بی‌وقفه و صرف میلیارد‌ها تومان بودجه، با این همه نیرو و رسانه و با وجود انحصار بزرگ صداوسیما، هنوز امکان



رویا صدر

در آخرین روز تیرماه وقتی نیروهای طالبان «محمدخاشه‌خوان» استندآپ‌کم‌دین محبوب افغانستانی را در خانه‌اش دستگیر کردند، به درخت بستند و کشتند. شاید پیش‌بینی نمی‌کردند که این واقعه در مقایسه با جنایات دیگر این گروه بازاتی چنان گسترده داشته باشد. این کم‌دین اگرچه از چند سال پیش در کنار نیروهای دفاعی افغان می‌جنگید ولی اعدام صحرایی او (که بی‌هیچ مقدمه و محکمه‌ای به شکلی فجیع انجام شد) چنان انعکاسی یافت که طالبان را واداشت در ابتدا بگوید این‌گونه قتل‌ها ریشه

در خصومت‌های شخصی دارد و کار آنها نیست! شاید اگر فیلم دستگیری محمدخاشه‌خوان در ابعاد وسیع پخش نمی‌شد ماجرا همچنان مکتوم باقی می‌ماند. محمدخاشه‌خوان در روستای «دنده» قندهار زندگی می‌کرد. در تنگدستی بزرگ شده بود و واژه «خاشه» که از غریب و زاربودن حکایت دارد، نشانگر درآمیختگی روزگار سپری‌شده زندگانی‌اش با سختی و مشقت است. او به هنرمند قندهاری معروف بود و ویدئوی اجراهایش در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شد و بسیار پرطرفدار

### یادبود

## سیلی بر چهره خندان دانایی

دانایی و هنر است.»

اجراهای کم‌دی محمدخاشه‌خوان به زبان پشتو (زبان غالب اهالی قندهار) بود که برای ما فارسی‌زبانان آشنا نیست ولی اقبال فراوان هموطنانش به اجراهای او (که حتی ابتدایی‌ترین سواد خواندن و نوشتن را نیز نداشت) نشان از آن دارد که او توانسته بود در این دنیای آشفته، با طنزش لحظات افرادی را خوش کند، لب‌هایی را به خنده بگشاید و دست‌کم مخاطبانش را باری کند که برای دقایقی چند ذهنشان دور از غوغای جنگ و ترور و وحشت‌اندکی بیاساید و نفس تازه کند و قتل او جز پاسداشت ماتم، درد و رنج چیز دیگری نیست. این رخداد درحقیقت حاوی پیامی است به کسانی که طالبان را یکی از جنبش‌های اصیل منطقه می‌دانند و می‌گویند: «همکاری با آنها می‌تواند به گسترش ثبات در افغانستان کمک کند». اینجاست که

بازتعریف واژه‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد؛ ازجمله واژه ثبات که اگر در دایره تنگ ارزش‌های خودساخته گرفتار شود و با تک‌ریم هویت انسانی و آزاداندیشی قرین نباشد، ثباتی قبرستانی را به همراه می‌آورد که مخمل ثبات ذهنی و روحی انسان‌هاست؛ ثباتی که سفیر درد، ماتم و رنج انسان‌هاست و پیش‌درآمدش با اعدام جان‌هایی‌رقم می‌خورد که مردم را شاد و خندان می‌خواهند، باشد که از رهگذر این بازتعریف اگر به اتفاق نظر هم نرسیم، دست‌کم ارزش واژه‌ها را پاس داریم... .



### دغدغه طبیعیانه

## صیانت از چه کسی؟

نهاد‌های مسئول با بی‌تدبیری بر پوششان گذاشته‌اند یکی پس از دیگری فرو می‌ریزند. در یادداشت‌های قبلی چندین بار در مورد فشاری‌که بر رزیدنت‌ها وارد می‌شود نوشته‌ام. از حجم کار بالا و فشار درسی گرفته تا عدم توجه به نیازهای اولیه آنها و اگر وضع به همین منوال ادامه یابد، نمی‌دانم با چه فجایع دیگری روبه‌رو خواهیم بود. شخصا خود را مسئول می‌دانم که چرا نتوانست‌ام در دانشگاه و بیمارستانی که در آن به تدریس می‌پردازم، محیطی آرام برای رزیدنت‌هایی به‌وجود آورم که جز احترام و محبت چیز دیگری نمی‌خواهند. البته نباید یادمان برود که دانشگاه‌های ما از هرگونه معنایی تهی شده‌اند. دانشجوی ما فقط می‌خواهد درشش به پایان برسد و مدرکی بگیرد. یادمان رفته که هر یک از این عزیزان سرمایه‌های بزرگ این مملکت هستند که ما با بی‌تدبیری آنها را به انسان‌هایی خمود و افسرده بدل می‌کنیم. از بدن نیمه‌جان نوشتم. با این حال اعتقاد قلبی دارم که هنوز هم هر یک از ما می‌تواند در وسع خود و در جایگاهی که هست نگاه دیگری‌به منش و رفتار خود بیندازد و به خود گوشزد کند که من نیز در ایجاد وضع موجود مسئولم و باید منش و روش خود را عوض کنم. همه چیز از سنگر آموزش بر می‌خیزد. این سنگر، سنگریان شایسته می‌خواهد. این عزیزانی که این‌گونه پیر می‌شوند سنگربانان این سنگر پردرد هستند.



عبدالرضا ناصر مقدسی متخصص مغز و اعصاب

آن قدر خبر بد در اطراف ما هست که نمی‌دانم باید در مورد کدام بنویسم؟ اصلا باید بنویسم یا نه؟ احساس می‌کنم این حرف‌ها هیچ گوش شنوایی ندارد. وقتی خوزستان و سیستان و بلوچستان وضعیت بسیار بدی دارد، وقتی سی گرما و بی‌برقی و بی‌آبی در کل کشور روبه‌رو هستیم، وقتی کرونا یک‌تازی می‌کند و با وجود حماسه‌های روز به روز وزارت بهداشت در خلق واکسن‌های مؤثر و بی‌بانه‌هایی با این عنوان که ما بهترین کشور جهان در کنترل بیماری کووید-۱۹ هستیم، آمار ابتلا و مرگ‌ومیر رکورد می‌زند، وقتی تورم پدید می‌کند و سبد معیشتی هر خانواده روزبه‌روز کوچک و کوچک‌تر می‌شود و مجلس ایران به جای رسیدگی به مشکلات اساسی مردم طرح صیانت از شهروندان در فضای مجازی را به تصویب می‌رساند، چنان یاسی انسان را فرا می‌گیرد که انگیزه همین حرکت‌انندک در این بدن نیمه‌جان را نیز از او می‌گیرد. ظاهرا مسئولان امر و نمایندگان محترم مردم به جای اینکه دغدغه اصلی زندگی مردم را داشته باشند، به دنبال صیانت از آنها در فضای مجازی هستند.

### زیر آسمان ایران

## دستگاهی که نابود شد

سالن سقوط می‌کند و خسارت سنگینی به دستگاه وارد می‌شود. این دستگاه دارای ۱۴ قطعه سنگین بوده است. آن‌طور که تایناک و فارس گزارش کرده‌اند، سهیل‌انگاری کارکنان و بی‌توجهی مسئولان بیمارستان به توصیه‌های شرکت منجر به افتادن پردازنده اصلی این دستگاه از جرثقیل شده و این قطعه دچار آسیب جدی می‌شود. به طوری که مقرر شده است این قطعه برای تعمیر به کشور سازنده ارسال شود. بسیاری از کاربران به این سهل‌انگاری که سبب این خسارت سنگین شده است، معترض‌اند و معتقدند باید مسئولان این اتفاق با مجازات سنگینی روبه‌رو شوند. آنان بی‌توجه به درد و سختی‌هایی که یک بیمار مبتلا به سرطان با آن مواجه است، نتوانستند این دستگاه را راه‌اندازی کنند و حالا این خرابی، منجر به چشم‌انظاری بیمار خواهد شد، تا بیمارانی که مدت‌ها

یکی از اتفاقاتی که دپیروز در بسیاری از گروه‌ها و پلتفرم‌ها درباره آن سخن گفته می‌شد، حادثه‌ای بود که برای دستگاه چندمیلیون‌دلاری در مرکز امام خمینی رخ داد. دستگاه سی‌تی‌سیمولاتور که یکی از مجهزترین دستگاه‌ها برای درمان بیماران سرطانی به شمار می‌رود، با تلاش‌های فراوان و کمک خیران با از دولتی و با قیمت میلیاردی برای کمک به بیماران سرطانی خریداری می‌شود. در برخی گروه‌ها قیمت آن را صد میلیارد اعلام کرده بودند. این دستگاه که قرار بود روز گذشته توسط نماینده شرکت سازنده در مجتمع بیمارستانی امام خمینی نصب و راه‌اندازی شود؛ اما به گزارش خبرنگاری فارس با درخواست مسئولان بیمارستان نصب دستگاه به پرسنل بیمارستان سپرده می‌شود. هنگام انتقال متأسفانه یکی از اصلی‌ترین قطعات دستگاه از جرثقیل در وسط

### اتفاق



**دوپیچه‌وله:** ثروت جف بزوس، بنیان‌گذار کمپانی تجارت آنلاین آمازون به بهای سهام غول آنلاین آمازون بستگی دارد. حال سهام آمازون سقوط کرده و بزوس ۱۴ میلیارد دلار از دست داده. اگرچه آمازون در سه‌ماهه گذشته هفت‌میلیارد و ۸۰۰ میلیارد دلار سود خالص کسب کرده بود اما قیمت سهام این شرکت روز جمعه بیش از هفت درصد سقوط کرد.



**بی‌بی‌سی:** نتفلیکس اولین تصویر از ایملدا استانتون که قرار است در سریال «تاج» نقش ملکه را بازی کند، منتشر کرد. ایملدا استانتون نقش کلر فوی و اولیویا کولمن را بازی می‌کند که در سری‌های قبل نقش ملکه را برعهده داشتند. فصل ششم و آخر این سریال، زندگی ملکه را در سال‌های آغازین قرن بیستم ویکم به تصویر می‌کشد.



**ایندیپندنت:** آن سان، کمان‌دار تیم ملی تیراندازی کره جنوبی هدف حمله کاربران کره‌ای قرار گرفته. کاربرهای کره‌ای به مدال‌های طلای او در رقابت‌های المپیک و رکوردشکنی‌اش کاری ندارند و تنها به خاطر مدل موی کوتاهش او را فمینیست می‌دانند. حمله‌ها و توهین‌ها به آن سان به حدی زیاد بود که نیویورک‌تایمز آن را «جنبش آنلاین ضد زن» خواند.



**نیویورک‌پست:** گزارشی منتشر شده که نشان می‌دهد یک بند رخت محل اختفای بن‌لادن را لو داده بود. عوامل سیا خانه بن‌لادن را زیر نظر داشتند ولی مطمئن نبودند او در آن سکونت دارد. نهایتا با مدل‌سازی لباس‌هایی که روی بند رخت خانه پهن می‌شد توانستند الگوریتم ساکنان خانه را که با خانواده پرجمعیت بن‌لادن مطابقت داشت، پیدا کنند.



**ای‌بی‌سی:** رودی جولیان می‌گوید هرکس فکر می‌کند من مجرمم احمق است. شهردار سابق نیویورک و وکیل دونالد ترامپ که به‌خاطر کارهایش در اوکراین تحت پیگرد فررال قرار دارد حالا در مصاحبه‌ای به مناسبت ۱۱ سپتامبر گفته: من هیچ جرمی مرتکب نشده‌ام و اگر شما می‌گویید که من جرمی مرتکب شده‌ام، شما احتمالا خیلی احمق هستید چون نمی‌دانید من که هستم.



**ورایتی:** شکایت اسکارلت جوهانسون از دیزنی به خاطر پخش هم‌زمان فیلم بیوه سیاه در سینماها و سرویس اشتراک و پخش ویدئوی دیزنی‌پلاس با واکنش این کمپانی روبه‌رو شد. جوهانسون از دیزنی به دلیل نقض قرارداد اکران هم‌زمان این فیلم در سینماها و پخش آنلاین این کمپانی شکایت کرد. دیزنی این دعوا را «فاقد شایستگی» توصیف کرده است.